

Type of Article: Researching

## The Quranic Model of Divine Traditions in the Management of Society

Seyed Hosein Fakhrezare<sup>1</sup>

### ABSTRACT

Divine traditions are a set of rules that regulate a series of events in society and human history, and knowing them acquaints us with the causes of stability of events and their effects and consequences under continuous rulings. In the present article, the sociality of traditions has been examined from different aspects, including their subject, actors, goals, and consequences, which have a special form of occurrence and a single logic at every historical stage, and are expressed in different forms and specific characteristics in the Qur'an. The results of this research indicate that acquaintance with God's unbreakable traditions, which demonstrate His excellent design and power in creation, informs man about his fate and the similarity of his fate in history and society, so that by recognizing unexpected events and preparing for confrontation with them, man could set a detailed plan which is needed to face what threatens his happiness and perfection, and ultimately reach a solution to improve his current situation. This article has investigated the formulation of traditions and theoretical issues using the descriptive-analytical approach from the perspective of Qur'anic verses and evidence, and since it is a text-based research, it has tried, in terms of type, to use the rational and narrative approach, which is among the ijthad methods.

**KEYWORDS:** Divine Traditions, Society, Non-Changeability, Causality, Human Will, Management of Human Laws.



1- Assistant Professor, Department of Cultural Studies, Research Institute of Islamic Culture and Thought, Qom, Iran, Fakhrezare48@gmail.com





تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۱/۱۸

20.1001.1.27833542.1403.4.1.3.4

10.22034/arq.2024.196976

نوع مقاله: پژوهشی

## الگوی قرآنی سنت‌های الهی در تدبیر جامعه

سید حسین فخرزارع<sup>۱</sup>

### چکیده

سنت‌های الهی مجموعه قوانینی است که نظام‌بخش سلسله‌ای از رخدادهای جامعه و تاریخ انسانی بوده که شناخت آن‌ها ما را با علل پدیداری رخدادهای و آثار و پیامدهای آن تحت قوانین مستمر آشنا می‌کند. در مقاله حاضر اجتماعی بودن سنت‌ها به حیثیات مختلفی از جمله موضوع، کنشگران، اهداف و پیامدهایش مورد بررسی قرار گرفته که در هر مرحله تاریخی شکل بروز ویژه و منطق واحدی داشته و در اشکال مختلف و صفات مشخصی در قرآن بیان شده است. نتایج حاصل از این جستار حاکی از آن است که علم به سنت‌های خلل‌ناپذیر الهی که نشانگر حسن تدبیر و قدرت او در آفرینش است، انسان را به احوال سرنوشت خود و تشابه سرنوشتش در تاریخ و اجتماع آگاه می‌کند تا با شناخت رخدادهای غیرمنتظره و آمادگی برای تقابل با آن، برنامه‌ریزی دقیقی برای مواجهه با آنچه سعادت و تکامل او را به مخاطره می‌اندازد و نهایتاً چاره‌اندیشی برای بهبود وضع موجودش داشته باشد. این مقاله با روش توصیفی تحلیلی صورت‌بندی سنت‌ها و مباحث نظری آن را از منظر آیات و شواهد قرآنی مورد بررسی قرار داده و البته چون تحقیق نص‌بنیاد است به لحاظ ماهیت، کوشیده از روش عقلی نقلی که در زمره روش اجتهادی است بهره ببرد.

**واژگان کلیدی:** سنت‌های الهی، جامعه، تحویل و تبدیل‌ناپذیری،

علیت، اراده انسان، تدبیر قوانین بشری.

۱- استادیار گروه فرهنگ پژوهی، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم، ایران، Fakhrezare48@gmail.com



This work is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License.



## ۱. مقدمه

جوامع بشری برخی رخدادهای اجتماعی را در طول تاریخ به خود دیده که تحت نظام و قواعد خاصی در قالب سنت‌های تکرارپذیر صورت گرفته‌اند. این سنت‌ها به‌عنوان قوانین ثابت، مستمر و جاری در بستر تاریخ و جامعه جریان دارد که هم به‌عنوان عنصر بازدارنده در جامعه عمل می‌کند و هم موتور محرکه‌ای برای حرکت پویای جامعه است. شناخت این سنت‌های فراگیر از منظر قرآن و بررسی رشد و سقوط جوامع بر اساس آن‌ها در سلسله نظام‌های مختلف دارای اهمیت زیادی است. در قرآن از قوانین حاکم بر تاریخ و جامعه بشری به سنت‌الله تعبیر شده که طی آن، نظامی معقول و قوانینی خلل‌ناپذیر ورای رویدادهای گوناگون اجتماعی وجود دارد که به مجموعه رخدادهای به‌ظاهر غیر مرتبط، نظام می‌بخشد. بخشی از این سنت‌های خطاناپذیر مربوط به زندگی آن‌جهانی و کيفر و پاداش‌های اعمال در جهان دیگر است و بخش مهم دیگر مربوط به این جهان است که نقشی اساسی در سرنوشت انسان دارد. در حیات اجتماعی، ساخت و میزان روابط انسان‌ها تعیین‌کننده سرنوشت آن‌هاست و سنت‌های اجتماعی عمدتاً تابعی از کنش‌های متقابل آنان بوده و جریان سنت‌ها نیز در مسیر تاریخ وابسته به ارزش‌های یک جامعه است. در منطق قرآنی، اگر ساخت و میزان روابط انسانی بر اساس ارزش‌های واقعی سامان‌دهی شود، مستلزم استحکام و تداوم جامعه خواهد بود و چنانچه بر پایه ارزش‌های مادی استوار شود باعث شکل‌گیری نوعی قواعد رفتاری نابهنجار و حکم‌فرما شدن ستیزه‌جویی‌ها در جامعه شده و متعاقب آن روابط انسانی مختل و جامعه رو به اضمحلال می‌رود؛ از این‌رو توجه به سنت‌های الهی و پیامدهای رفتاری افراد، هم از ورود ارزش‌های مادی زیاد و برقراری روابط نابهنجار جلوگیری کرده و هم آنان را به پایبندی ارزش‌های واقعی و ساخت روابط اجتماعی صحیح ترغیب می‌نماید.

کاربرد قرآنی سنت در گستره مباحث اجتماعی، اغلب بر قوانین تکوینی یا تشریحی ثابت و اساسی الهی اطلاق می‌شود که هم بر اقوام گذشته و هم بر اقوام امروز حاکم است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۱۷: ۴۳۷) و تحول و تغییری در آن روی نمی‌دهد و بدون هیچ تفاوتی از سوی خداوند برای عموم مردم جاری است و بر اقوام مختلف و بر زندگی فرد و جامعه به‌نوعی یک نظم ثابت در زمان‌های گوناگون حاکم

بوده است. به عقیده برخی مفسرین سنت به معنای طریقه معمول و رایج است که به طبع خود، غالباً یا دائماً جاری باشد (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ۱۶: ۳۴۰)، برخی نیز معتقدند منظور از آن، طریقه‌ای جاری و صحیح است که برای رهنمون جامعه جعل شده (طبرسی، ۱۴۰۶ ق، ۲: ۸۴۱؛ ۶: ۶۶۷) که جامعه در آن سیر می‌کند؛ و مسیری است که باید از آن پیروی شود و عادت خداوند درباره امت‌های پیشین بوده است (همان، ۸: ۶۴۵). مقصود ما از سنت‌های اجتماعی در قرآن قوانینی نیست که انسان در ساخت و پدیداری آن دخالت دارد بلکه قوانینی موردنظر است که تکویناً و حقیقتاً به جعل خداست و البته انسان در زندگی اجتماعی‌اش با آن سروکار دارد. اینکه صورت‌های بیان این سنت‌ها در قرآن چگونه است، دارای چه ویژگی‌هایی بوده؟ و تمایزشان با قوانین بشری چیست؟ از دغدغه‌هایی است که در این جستار دنبال شده و از جمله دستاوردهایش این است که بسیاری از رخداد‌های اجتماعی، اتفاقی و محصول صدفه نبوده و حاصل ضوابطی است که در افعال الهی وجود داشته و متعاقب رفتارهای جمعی انسان‌ها، عالم و آدم با اسباب و وسایل طبیعی و غیرطبیعی تدبیر می‌شود.

## ۲. پیشینه بحث در دامنه تاریخ

قلمرو تاریخ و اجتماع مانند هر قلمرو دیگر، سرشار از رخدادها و وقایع گوناگون است و هریک از آن‌ها از بدو آفرینش همراه با قواعد و قوانین پایدار وضع شده است؛ در واقع دستگاه آفرینش از آغازی‌ترین نقطه خود، حتی در درنگی کوتاه بدون این سنت‌ها و قوانین پایدار جریان نداشته است. متأسفانه این بحث علی‌رغم اهمیت فراوانی که دارد کمتر در اندیشه متفکران اجتماعی قدیم به‌جز ابن‌خلدون که در کتاب مقدمه‌اش به‌عنوان یک مبحث صرفاً اجتماعی و تاریخی بدان پرداخته، مورد توجه قرار گرفته است. سنت‌های اجتماعی به‌عنوان یک بحث قرآنی و تفسیری عام را در اکثر یا همه تفاسیر می‌توان یافت و مورد توجه اغلب مفسرین و متون تفسیری نیز قرار گرفته است؛ اما بحث از سنت‌ها به معنای اصطلاحی و رایج آن و توجه فنی و مستقل به آن سابقه دیرینی ندارد و شاید تفاسیر اجتماعی چند دهه اخیر از جمله تفسیری *ظلال القرآن* اثر سید قطب (۱۹۰۶-۱۹۶۶ م)، *من وحی القرآن* اثر

علامه سید محمدحسین فضل‌الله (۱۹۳۵-۲۰۱۰ م) *المیزان فی تفسیر القرآن* اثر علامه سید محمدحسین طباطبایی (۱۲۸۱-۱۳۶۰ ش) را بتوان نقطه آغاز پردازش‌های تفسیری در این باب دانست؛ گرچه پیش از آن نیز می‌توان در اندیشه‌های سید جمال‌الدین، شیخ محمد عبده و رشید رضا صاحب *تفسیر المنار* این بحث را به‌طور اجمال دنبال کرد. در این میان شاید بارزترین و برترین اثری که در این مورد با رویکردی فلسفی و نظری و با عطف توجه به آیات مختلف قرآنی نوشته شده، اثر *المدرسة القرآنية* شهید سید محمدباقر صدر است که حاوی بینش‌های فلسفه اجتماعی و تاریخی اوست. البته در چند دهه اخیر نیز ادبیاتی در این زمینه تولید شده که عمدتاً مبتنی بر آثار گذشته و برحسب میراث تفسیری مفسران بوده است.

پس از آن، نویسندگانی نیز به‌طور خاص این موضوع را مورد بررسی قرار داده‌اند: از جمله احمد حامد مقدم (۱۳۸۷) در اثر «سنت‌های اجتماعی در قرآن» که با روش اسنادی آیاتی را که بیانگر سنن الهی هستند استخراج و آن‌ها را ذیل چندین نوع طبقه‌بندی و توصیف کرده است. غلام حیدر کوشا (۱۳۸۹) در مقاله «پژوهشی در الگوی مطالعه سنت‌های اجتماعی در قرآن»، سعی کرده وجه اجتماعی بودن سنت‌ها و تسری آن را به سنت‌های استنباطی بر پایه سنت‌های نخستین سامان مورد بحث قرار دهد. مرادخانی (۱۳۸۶) در اثر «سنت‌های اجتماعی در قرآن» که به‌صورت درسنامه منتشر شده سعی کرده صورت‌بندی منظمی از انواع سنت‌های الهی در قرآن را بیان نماید. جمال فرزند وحی و همکارانش (۱۳۹۴) نیز در مقاله «سُنن اجتماعی در قرآن از منظر علامه طباطبایی و سید قطب»، این موضوع را با بررسی مقایسه‌ای نظر علامه طباطبایی و سید قطب با در نظر داشتن انواع سنت‌ها، دنبال کرده است. اگرچه این ادبیات و امثال آن بخش مهمی از بحث پیرامون انواع سنت‌ها را پوشش داده لیکن مقاله حاضر به دنبال توصیف انواع سنت‌ها نبوده و غالباً وجه نظری آن را مورد بحث قرار داده است.

### ۳. منطق سنت‌های اجتماعی در قرآن

#### الف) هرآینگی سنت‌ها در زندگی بشری

بررسی و مطالعه سنت‌های اجتماعی از آن جهت ضروری می‌نماید که شناخت آن‌ها

در تفسیر و توجیه حیات طبیعی، معنوی و اجتماعی مردم در الگویی نظام‌مند نقش بسیار مؤثری دارد. اگرچه بررسی‌های اجتماعی، به‌خودی‌خود دارای پیچیدگی‌های زیاد هستند که نمی‌توان چندان آن‌ها را تحت کلیت‌های واحدی درآورد، لکن برای تعیین معیارها و نیل به خط‌مشی‌های اساسی، گریزی از ترسیم این الگومندی نیست. در واقع در مطالعات اجتماعی به دلیل پیچیدگی‌شان همچون مطالعه پدیده‌های طبیعی و بسیط نمی‌توان دست به تعمیم‌های زیادی زد؛ اما فقط پیچیدگی نیست که این امر را دشواری می‌کند؛ بلکه چون در این دست تأملات، انسان‌ها کمابیش با مسائل اجتماعی پیرامون خود آشنا هستند، وادار کردن آن‌ها به تردید درباره آنچه از قبل می‌دانند و اذعان به این که آنچه تاکنون می‌دانستند لزوماً صحیح نیست، دشوار است. از سوی دیگر نیازها و مطالبات مداوم انسان و تغییرات و تحولات دائم زندگی اجتماعی انسان، پیچیدگی آن‌ها را افزایش می‌دهد؛ اما در عین حال، ضرورت اینکه بر اساس مشابَهت‌هایی که در جوامع و زمان‌های مختلف مشاهده شده، چارچوبی ارائه شود تا بر طبق آن، سنت‌های اجتماعی مورد بررسی قرار گیرد، جای تردید نیست. ارائه این الگو باید هم جوانب قرآنی و تفسیری سنت‌ها را مورد توجه قرار دهد و هم آن‌ها را مانند پدیده‌های اجتماعی دیگر بتواند بررسی کند.

تأکید بر حاکمیت سنن پایدار بر جوامع و تاریخ، بیان قصص و سرگذشت اقوام، تمثیلات فراوان، امر به عبرت‌گیری از سرگذشت پیشینیان و وجود مشترکات فراوان ملل و جوامع، از مسائل مورد عنایت قرآن است که پرداختن به آن ضروری و بااهمیت است. تشابه سرنوشت انسان‌ها، موجب می‌شود هر ملتی در هر زمان با دانستن احوال ملت‌های قبل از خود، به احوال و سرنوشت خویش بر اساس سنت خداوند که بر همه ملت‌ها حاکم است، آشنا شود. شناخت این سنت‌ها در نگاه قرآنی، ما را از دو نقطه نظر افراط و تفریط بر حذر می‌دارد. تقدیرگرایی، تسلیم محض و عدم امکان تغییر سرنوشت خود از سویی و آزاد دانستن مطلق انسان از سوی دیگر، دو برداشت نادرستی است که با شناخت این سنت‌ها می‌تواند اصلاح گردد. وانگهی با چنین شناختی می‌توان به علل و عوامل وقوع پدیده‌های اجتماعی و آثار و پیامدهای آن آشنا شد و در نتیجه پیش‌بینی، پیش‌گیری و کنترل رخدادها و مسائل اجتماعی، امکان‌پذیر می‌شود؛ نیز این امکان را می‌دهد که قوانین و نظام

حاکم بر رخدادهای اجتماعی کشف و با شناخت پدیده‌های اجتماعی روند آنها پیش‌بینی کردند. توجه به این سنت‌ها، موجب عبرت انسان‌ها و مایه اصلاح و هدایت جامعه بوده و در آنها تعالی افراد مؤمن و مجاهد و متحد و بیدار و شکست و نابودی ملت‌های پراکنده و بی‌ایمان و آلوده به گناه پیش‌بینی گردیده و در تاریخ بشریت ثبت شده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۳: ۱۰۲).

قرآن به صورت مکرر به سیر در زمین و نظاره عاقبت اقوامی که آیات الهی را تکذیب کردند و حسب سنت الهی عاقبتی ناگوار داشتند، تأکید می‌کند «قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ سُنَنٌ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ هَذَا بَيَانٌ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَمَوْعِظَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ» (آل عمران: ۱۳۷-۱۳۸)؛ بنابراین آگاهی از سنت‌های الهی سنت‌ها مانع آن است که هستی، حاصل تصادف یا تفویض مطلق دانسته شود، بلکه انسان را به ودیعه‌ای که خدا به سبب سنت‌ها در عالم طبیعی و انسانی قرار داده آشنا می‌کند (احمدالخطیب، ۱۴۲۵، ق، ۱: ۷). چنین شناختی می‌تواند پیامدهای مهمی را به دنبال داشته باشد: قدرت بر کشف قوانین که شرط لازم پیش‌بینی پذیری جامعه و تاریخ‌اند، کالبدشکافی و تحلیل دقیق جوامع گذشته، شناخت حوادث و رخدادهای غیرمنتظره و آمادگی برای تقابل با آن، برنامه‌ریزی دقیق برای مقابله با آسیب‌های اجتماعی و نهایتاً چاره‌اندیشی برای بهبود وضع موجود، از جمله این پیامدهاست.

### ب) تقدم قوانین الهی در جامعه

خداوند، عالم وجود و حیات انسان را همراه با سنت‌های ثابتی آفریده است؛ از یک سو سنت‌هایی در مورد عالم هستی و تکوین و ساخت آن مقرر فرموده و از دیگر سو در حیات فردی و اجتماعی انسان، منطبق بر قضای ازلی و طبق حکمت و عدالتش قوانین پایداری را وضع کرده است. این سنن و قوانین که خدا از مجاری آنها قدرتش را اعمال می‌کند، مظهر مشیت و حکمت سبحانی هستند. معنی قانونمندی جامعه یا تاریخ جز این نیست که پدیده‌های اجتماعی و حوادث تاریخی بی علت و تصادفی نیستند؛ بلکه معلول عللی هستند که از طریق آنها تبیین و تفسیر می‌شوند و به حکم تکوینی خداوند در ساختن و ویران کردن اجتماعات حاکم و مؤثرند (کمالی، ۱۳۸۴: ۱۹۱).

این که قرآن امر به سیر در زمین و بررسی اوضاع و احوال اقوام و ملت‌ها می‌کند، نشانگر اهمیت تاریخ و آشنایی با قوانین و سننی است که پیامد قهری صلاح و فساد جوامع است و اراده‌ای الهی وراء آن وجود دارد که در آیات فراوانی هلاک و نجات امت‌ها، اقوام و ملت‌ها به خداوند نسبت داده شده است (حج: ۴۵؛ اعراف: ۸۴) لذا اهمیت و ارزش تاریخ و ملاحظه سرگذشت اقوام پیشین، نه به لحاظ تاریخ‌نگاری بلکه به جهت تاریخ‌نگری آن است؛ یعنی مطالعه تاریخ به جهت کشف قوانین حاکم بر آن و سیر آن در مسیری که خداوند به آن امر فرموده است (نصری، ۱۳۸۵: ۵۱).

البته تصور نشود که قرآن که برای سنت‌های تاریخ، طبیعت غیبی و الهی قائل است، از تفسیر علمی و تجزیه و تحلیل موضوعی تاریخ دور می‌شود و صرفاً تاریخ و حوادث آن با این گرایش تفسیر می‌شود، همان‌گونه که گرایش لاهوتی و صرفاً الهی اوگوستین و دیگران چنین‌اند (صدر، ۱۳۶۹: ۱۱۵). در واقع ارتباط یک رویداد تاریخی با امور الهی به‌عنوان جایگزین روابط طبیعی قلمداد نمی‌شود، بلکه تنها سنت تاریخ و وجود روابط و مناسبت‌ها به خدا نسبت داده می‌شود؛ یعنی وجود رابطه میان رویدادهای تاریخی بازگوکننده حکمت و حسن تدبیر و قدرتی است که خداوند در آفرینش و ساخت طبیعی و تکوینی تاریخ و صحنه‌های آن به کار برده است و از حوزه قدرت او بیرون نیستند. با چنین دیدگاهی رابطه هم‌زمان علم و ایمان و انسان و خدا نیز به‌خوبی قابل فهم‌تر خواهد شد.

شهید صدر در توضیح رابطه میان سنت قهری خداوند و کنش‌های اختیاری انسان، اذعان دارد تغییر و تحولاتی که قرآن منشأ آن بوده، دارای دو جنبه «خدایی» و «تاریخی» است که یکی مربوط به دین و شریعت به‌عنوان عاملی فوق تاریخی و اجتماعی و دیگری مرتبط با تلاش بشری افراد جامعه بوده و هرکدام تابع سنت‌های خاص خود است. قرآن هرگاه سخن از تغییر و تحول می‌کند، بسته به نوع تحولات، آن را یا مستند به رسالت الهی یا به اراده انسان‌ها می‌داند. رسالت الهی، از آنجاکه از کانونی لایزال و قدرتمند نشئت می‌گیرد هرگز دچار هزیمت و خسران نمی‌شود؛ برخلاف انسان که تحت سیطره سنت‌ها و قوانین تاریخ است و به تعبیر قرآن روزهای پیروزی و ناکامی طبق سنت الهی به‌عنوان امتحان در میان مردم جهت عبرتشان گردانده می‌شود



«وَتِلْكَ الْأَيَّامُ نُدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ» (آل عمران: ۱۴۰)؛ از همین رو می‌توان گفت هر جا شرایط لازم و منطقی پیروزی با معیارها و مقیاس‌هایی که سنت‌های تاریخی برای موفقیت تعیین کرده وجود داشته باشد، متعاقب آن، پیروزی و کامیابی نیز خواهد رسید و چنانچه شرایط لازم و کافی فراهم نباشد، شرایط پیروزی نیز مانند غزوة احد فراهم نخواهد شد (صدر، ۱۳۶۹: ۷۹-۸۰). به هر تقدیر، رسالت الهی و سنت تعطیل ناپذیر او که به صورت تکوینی جعل شده، متعاقب نقش تاریخی انسان محقق خواهد شد و اگر امتی نقش تاریخی خود را در عالم تشریح، به درستی ایفا نکند، امت دیگری که شایستگی نشان دهد جایگزین خواهد شد «إِلَّا تَنْفِرُوا يَعَذِّبْكُمْ عَذَابًا أَلِيمًا وَيَسْتَبْدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ وَلَا تَضُرُّوهُ شَيْئًا» (توبه: ۳۹). در آیات دیگر نیز قریب به چنین مضمونی درباره ارتداد افراد از دیانت خود و جایگزینی گروه دیگر سخن به میان آمده است (مائده: ۵۴).

به طور خلاصه، سه ویژگی مهم مربوط به این دسته قوانین از آیات می‌توان استفاده کرد:

۱. چون عالم، عالم اسباب است و هر چیز از مجاری قوانین الهی صورت می‌گیرد، این قوانین کورکورانه و اتفاقی نیست. در آیه «سُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا» (احزاب: ۶۲؛ اسرا: ۷۷) که دال بر شمول و عمومیت قانون الهی است به این واقعیت اشاره دارد که تحویل و تبدیل سنن و قوانین محصول صدفه نیست و یقیناً اراده‌ای مطلق وراء آن است.

۲. این قوانین جنبه خدایی دارد و خداوند قدرتش را از مجاری این سنن و قوانین اعمال می‌کند. برخی نویسندگان در نسبت سنت‌ها به خداوند گفته‌اند: «وقتی از سنتی الهی سخن می‌گوییم مراد این نیست که فلان فعل خاص مستقیماً و بی‌واسطه از خداوند صادر می‌شود، بلکه ممکن است اسباب و وسایل بسیاری، اعم از طبیعی و عادی و فوق طبیعی و غیبی در کار آمده باشد و درعین حال، فعل به خدا منسوب شود؛ خداوند برای این که بینش و گرایش الهی و توحیدی ما را تقویت و تحکیم کند در قرآن، افعال و انفعالات و کنش‌ها و واکنش‌های طبیعی و پدیده‌های مادری را نیز به خود نسبت می‌دهد تا ما را با توحید افعالی آشنا کند» (مصباح یزدی، ۱۳۸۸: ۴۱۰).

۳. این قوانین ملازم و همگام با اراده و اختیار انسان است. در واقع قرآن میان جبر قوانین و آزادی انسان آشتی برقرار ساخته و اصل اختیار را منافی حاکمیت سنن الهی نمی‌داند (صدر، ۱۳۶۷: ۲۰-۲۵).

بحث از سنت‌های الهی ممکن است باعث وجود دو شبهه و رویکرد افراطی و تفریطی متفاوت شود: رویکرد نخست این که ممکن است گمان شود اراده و اختیار انسان در تبعیت این سنت‌ها قربانی می‌شود و قانون بودن پدیده‌ها، به‌عنوان یک سنت پایدار به معنای منفعل بودن انسان در برابر آنهاست؛ رویکرد دوم برخلاف رویکرد اول، قوانین تاریخی و سنت‌ها را قربانی اراده و اختیار انسان دانسته و به خاطر نقش و کاربرد اختیار انسان، صحنه تاریخ سنت و قانونی جز اراده مستقل انسانی ندارد؛ اما باید گفت منافاتی میان سنت‌ها و اختیار انسان وجود ندارد؛ زیرا تعداد زیادی از این سنت‌ها در قالب قضایای شرطی یا معنای شرطی آمده که شرط مسلماً متوقف بر اراده آدمی است و تعدادی نیز در قالب قضایای دیگر که اگرچه محقق و قطعی است اما از مسیر قضیه‌ای شرطی عبور می‌کنند تا به قضیه حتمی برسد و لذا چون بخش مقدمه‌ای آن بازگوکننده اراده آدمی است، منافاتی با اختیار انسان ندارد.

### ج) مفهوم اجتماعی بودن سنت‌ها

واژه سنت، وقتی موصوف به وصف اجتماعی شود بیانگر چگونگی پیوند میان رخدادهای اجتماعی و کنش‌های انسانی است که به‌صورت متقابل میان انسان‌ها، یا بین ایشان و پدیده‌های اجتماعی برقرار است و در پیوند با خداوند، سنت الهی قلمداد می‌شود. این اجتماعی بودن هم ممکن است به حیثیات مختلف: موضوع سنت، کنشگران، اهداف دنبال شده یا پیامدهایی باشد که وجه اجتماعی دارد (کوشا، ۱۳۸۹: ۳۳-۵۶).

«موضوع اجتماعی» پدیده‌هایی است که حسب نظام ارزشی جامعه‌ای منجر به روابط متقابلی شده و رفتارهای اجتماعی طبق آن صورت می‌گیرد. در قرآن به چنین رفتارهایی مبتنی بر سلسله‌ای از روابط و ارزش‌ها ثابت می‌توان سنت‌های اجتماعی قلمداد کرد. مصادیقی که در آیات قرآن با چنین حیثیتی آمده عبارت‌اند از کنش‌ها و اندیشه‌هایی که هنجارهای حاکم بر جامعه، آن‌ها

را در قواعدی مشخص تحت تأثیر قرار داده است؛ از این رو آیات حاکی از عذاب الهی بر اقوام پیشین و نیز آیاتی که وعده به ابتلای امت‌های قبل بر اقوام و ملت‌های دیگر به خاطر ظلم آنان می‌دهد، از جمله مصادیق آن است.

گاه سنت به حیث «کنشگران» موصوف به وصف اجتماعی می‌شود، ماکس وبر (Max Weber) در ترسیم مفهوم رفتار اجتماعی معتقد است «رفتار انسانی زمانی کیفیت اجتماعی می‌یابد که آشکارا متضمن نیت یا مقصودی باشد و برخلاف رفتارهای درون‌گرایانه محض از قبیل تفکر و تعمق یا رفتارهای معطوف به اشیاء و وضعیت‌های مادی، افراد برای عملی که انجام می‌دهند باید معنایی قابل باشند و به نوبه خود رفتارشان را به سوی رفتار مشابه دیگران جهت‌گیری کنند» (وبر، ۱۳۶۷: ۱۷). وی مهم‌ترین شکل رفتار اجتماعی را همان رفتار دوجانبه اجتماعی می‌داند که اصطلاحاً به آن رابطه اجتماعی می‌گویند و به عقیده او بررسی آن، مضمون اصلی جامعه‌شناسی است (همان: ۱۹). پس زمانی یک رابطه اجتماعی شکل می‌گیرد که افراد متقابلاً رفتار خود را بر رفتار محتمل دیگران متکی سازند و بر اثر واگیری اجتماعی به دیگران سرایت کرده و در نتیجه گروهی از افراد به صورت همسو و متجانس عمل کنند (ر.ک: آگ‌برن و نیم‌کوف، ۱۳۸۰: ۱۸۱)؛ از این رو قرآن، زمانی که سخن از رفتارهای جمعی به میان می‌آورد، منظور کنش‌هایی است که عده‌ای از افراد با تأثیرپذیری از گرایش‌ها و عواطف خود به صورت همسان بدان عمل کنند و مستلزم آثار و پیامدهای معطوف به زندگی اجتماعی آنان باشد. با توجه به این مباحث، وقتی سنت‌ها با وصف اجتماعی آورده می‌شود، قواعدی را که خداوند درباره رفتارهای مشترک خوب یا بد افراد یا اقوام بشری مقرر کرده است مورد نظر است.

گاه نیز سنت‌ها به حیث «اهداف، نیات و مقاصد افعال اختیاری»، اجتماعی قلمداد می‌شوند. کنش‌های انسانی متضمن نیت و مقصودند؛ یعنی افعال اختیاری انسان در پی نیل به یک هدف مشخص بوده که برای آنچه شرط و مقتضای حیات است تلاش می‌کند و اصولاً یک رفتار زمانی اجتماعی تلقی می‌شود که هدف و رویه‌های اجتماعی را دنبال کند. اهداف و رویه‌ها هم یا جنبه بیرونی دارد یا در عالم ذهن و درون افراد اتفاق می‌افتد که به هر دو رفتار، اجتماعی گفته می‌شود. این سنت‌ها در قرآن، به رفتارهایی که با انگیزه

و هدف اجتماعی صورت گرفته، مرتبط است مانند خطابات قرآن در آیاتی که مربوط به طواغیت و حاکمان سوئی همچون فرعون است که گرایش کنش گردنکشانه آنان استیلا و استعلا بر دیگران و بی توجهی به ارزش اخلاقی و اعتقادی جامعه است و حضرت موسی (ع) از خدا نابودی اموال، سخت شدن دل تا نزول عذاب دردناک الهی برایشان درخواست می کند «رَبَّنَا إِنَّكَ آتَيْتَ فِرْعَوْنَ وَمَلَأَهُ زِينَةً وَأَمْوَالًا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا رَبَّنَا لِيُضِلُّوهُ عَنِ سَبِيلِكَ رَبَّنَا اطْمِسْ عَلَى أَمْوَالِهِمْ وَاشْدُدْ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُوا حَتَّى يَرَوْا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ» (یونس: ۸۸) و عاقبت اراده خدا چنین مقرر می شود که بر این اهدافی که منکران و کافران دارند، حسب سنت دیرینه خود آن‌ها را به هلاکت رساند.

از نظر «آثار و پیامدهای رفتارها» نیز وصف اجتماعی سنت‌ها به معنای فرایندهایی است که رفتارهای اجتماعی را در پی دارد. رفتارهای انسانی هرچند فردی و بیولوژیک هم باشد، اگر آثاری به همراه داشت که فواید فرد و بر زندگی اجتماعی اثرگذار بود و به تعبیر شهید صدر موجی ایجاد کرده و از فاعل درگذرد و زمینه‌اش سطح جامعه را فراگیرد، تحت سنت‌های اجتماعی قرار می گیرد (صدر، ۱۴۲۱: ۷۰).

درواقع هر کنشی که جرقه اصلی آن در ذهن کنشگر تولید شود و تجلی آن در بیرون نمودار گردد و نوعی اثر بر زندگی افراد جامعه گذارد، آن تجلیات و آثار مترتب بر آن، پیامدهای اجتماعی رفتار کنشگران قلمداد می شود که می تواند مشمول سنت‌های اجتماعی شود.

خداوند گسترش برکات آسمان و زمین را بر مردم جامعه به سبب تقوایشی و ایمان آنان که در ابتدا امری شخصی و درونی است، دانسته است. این امر به خاطر آن است که تقوا و ایمان افراد دارای آثار و پیامدهایی است که جامعه را تحت تأثیر خود قرار می دهد و به سبب این تأثیر، خدا سنت زیادی نعمت‌های دنیوی و اخروی را در آیاتی بیان می فرماید «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ ءَامَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَٰكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» (اعراف: ۹۶)؛ در آیه دیگر سنت ازدیاد نعمت را بر مستغفرین و تائبین به نوعی دیگر بیان می کند «وَيَقُومُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا وَيَزِدْكُمْ قُوَّةً إِلَىٰ قُوَّتِكُمْ وَلَا تَتَوَلَّوْا مُجْرِمِينَ» (هود: ۵۲). در مقابل، سلسله کنش‌هایی که تأثیر بدی داشته و بازتاب آن به کلیت افراد

جامعه سرایت می‌کند را به سنت ابتلا به مصائب و زیادت ضلالت و امثال آن دچار می‌کند همچنان که به تعبیر قرآن کسی که از هدایت خدا روی بگرداند، زندگی سختی خواهد داشت و در قیامت نابینا محشور می‌شود «وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى» (طه: ۱۲۴).

نکته مهمی که توجه به آن لازم است این که قوانین حاکم بر جامعه و تاریخ از قوانین حاکم بر طبیعت متفاوت‌اند و قوانین عام تحولات اجتماعی در هر مرحله‌ای، می‌تواند شکل بروز ویژه‌ای داشته باشد و این برخلاف منطق حاکم بر جامعه‌شناسی پوزیتیویستی است که به دنبال مشابهت‌سازی پدیده‌های اجتماعی و انسانی با پدیده‌های طبیعی و فیزیکی و روش‌شناسی مشابه در هر دو آن‌ها یا نگاه یکسویه‌نگر عقلگرایانه است. منشأ این نوع نگاه به پدیده‌های اجتماعی این است که تجربه‌گرایان و نیز عقل‌گرایان در قلمرو علوم و فنون، پیوند ناگسستنی نظریه و عمل و رابطه علم و فلسفه را نادیده گرفته یا انکار کرده‌اند و تنها به اصالت تجربه محض یا خرد محض به‌طور جداگانه تکیه می‌کنند و لاجرم از شناخت واقعی درباره طبیعت و اجتماع و فکر دور می‌مانند. در واقع از طرفی عده‌ای، مهم‌ترین نقش را در قلمرو شناسایی از احساس و مشاهده مستقیم می‌دانند و نقش تفکر نظری و اهمیت تعمیم‌های و تجربه‌ها را انکار می‌کنند از طرفی عقل‌گرایان نیز صرفاً با تکیه بر فعالیت عقلی بشر، نقش شناسایی مبتنی بر مشاهده و تجربه را نفی می‌کنند؛ اما قرآن در بیان قوانین عام اجتماعی هر دو جنبه آفاقی و انفسی موضوعات را از نظر دور نمی‌دارد و به ابعاد هنجاری و اثباتی به‌صورت هم‌زمان توجه کافی دارد.

#### ۴. اشکال بیان سنت‌های الهی در قرآن

سنت‌های الهی همگی با واژه سنت در قرآن بیان نشده‌اند، بلکه بسیاری از آن‌ها با نگاهی ساختاری از درون آیات و کنار هم نهادن مفاهیم متعدد قابل استنباط است. باری، به همان اندازه که رویدادهای تاریخ و جامعه و شرایط آن متفاوت است و در مناسبات مختلف و در تأثیر از علل و عوامل گوناگون، وضعیت و پیامدهای جدیدی به خود می‌گیرد، سنت‌های حاکم بر تاریخ و جامعه نیز صورت‌های مختلفی می‌یابد؛ این تعدد وقایع اگر با اراده‌های الهی

و نیز اراده‌های انسان در هم ضرب شوند، تعداد بی‌شماری از سنن الهی را می‌توان برشمرد که برخی از آن‌ها به‌طور واضح بر سنت‌های خداوندی دلالت دارد و تعداد زیادی در ساختارها و بیان‌های متعددی تبلور یافته‌اند.

(۱) بخشی از این آیات به نحو عام به ارائه سنت‌ها پرداخته‌اند و به مدلول عمومی آن‌ها اشاره دارند؛ (۲) برخی دیگر با ذکر مصادیق و نمونه‌هایی که حاکم بر خط سیر تاریخی انسان است مطلب را بیان کرده‌اند؛ (۳) تعداد دیگر از آیات به‌صورت نظریه‌پردازانه در چارچوب مصادیق خارجی آمده (۴) و بالأخره عده‌ای هم ضمن توجه دادن به بهره‌گیری از رویدادهای مربوط به اقوام پیشین و ذکر امثال و داستان‌های مختلف، به‌منظور عبرت‌گیری و استفاده از سرگذشت و نقاط ضعف و قوت آنان بیان‌شده تا با استقراء تاریخ و حوادث، قوانین ثابت و سنت‌های تاریخ و جامعه کشف شود؛ چراکه به تعبیر شهید صدر، اگر وجود قانون یا سنتی مفروض نمی‌بود، استقراء یا کاوش برای یافتن آن، معنا و مفهومی نداشت (صدر، ۱۳۸۱: ۸۳-۸۴).

این مجموعه سنت‌ها در دو دسته کلی اختیاری و اجباری قابل تقسیم‌اند؛ بدین معنا که بسیاری از آیات که دلالت بر سنت‌های الهی در مورد پدیده‌ها دارند، اراده انسان در آن مدخلیتی ندارد و انسان در برابر آن‌ها قادر به تغییر و تحول چندانی نیست، مانند سنت خلقت انسان یا فرا رسیدن اجل او «وَلِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ فَإِذَا جَاءَ أَجَلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَأْخِذُونَ» (اعراف: ۳۴) و برخی دیگر از آیات دلالت بر سنت‌هایی در مورد پدیده‌هایی دارند که اراده انسان در پدیداری یا در نتایج مترتب بر آن دخیل است که عمدتاً این سنت‌ها در ساختار خاصی بیان‌شده‌اند. سنت‌ها در قرآن، در طرز ساختاربنندی بیان آیات نیز به صورت‌های گوناگونی آمده‌اند:

۱. گاه به‌صورت قضیه و جمله شرطیه بیان‌شده‌اند که بین دو رویداد یا دودسته از وقایع، نوعی پیوستگی و همبستگی ایجاد می‌کند، مانند بسیاری از پدیده‌های فیزیکی و طبیعی که وجود و تحقق یکی (جزا) منوط به وجود و تحقق دیگری (شرط) است؛ به‌نحوی که نتیجه شرط از خود شرط جدا نیست و بین آن‌ها پیوند موضوعی وجود دارد و با وقوع شرط، نتیجه شرط نیز مطمئناً حاصل خواهد شد؛ همان‌گونه که در قوانین علمی بدین شکل بیان می‌شود. این نوع از سنت‌ها

بیشتر تحت ارادة انسان‌ها است که آن‌ها می‌توانند با تحت کنترل در آوردن رخداد اول از رخداد دَوَم جلوگیری کنند یا به آن سرعت بخشند مانند آیه‌ای که گشایش برکات زمین و آسمان برای مردم منوط به ایمان و تقوایبشگی آنان که عملی اختیاری و تحت ارادة خود انسان‌هاست دانسته شده است (اعراف: ۹۶)؛ یا در آیه‌ای دیگر سنّت زیاد شدن نعمت‌ها و نازل شدن عذاب شدید خداوند، مشروط به برپای داشتن شکرانه نعمات و کفران آن قلمداد شده است (ابراهیم: ۷). این قسم از آیات که جزای شرط که دلالت بر سنّت خدایی دارد و وابسته به اراده‌ها و اعمال آدمیان است و به صورت جمله شرطیه بیان شده، در قرآن زیاد آمده است. البته گاه جمله حاوی سنّت الهی، در ترکیب ظاهری شرطیه نیست بلکه جملاتی است که به هیئت وعد آمده؛ اما معنای شرط را می‌دهد مانند آیه «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ» (نور: ۵۵) که شرط استخلاف در زمین، حسب سنّت الهی، ایمان به حق و عمل صالح برشمرده شده است و البته در آیات زیادی چنین ساختاری را می‌توان دید (نک: اسرا: ۱۶؛ رعد: ۱۱؛ جن: ۱۶؛ محمد: ۷).

۲. گاه سنّت‌ها در قالب قضیه توصیفی و خبری قطعی‌الوقوع آمده که نشان‌دهنده تحقق امری مشخص در تاریخ و جامعه است. در قوانین جهان هستی، یک قضیه زمانی قطعی می‌شود که مقید و مشروط به شرط و قیدی نیست و در قالب امری واقع‌شدنی بیان گردد مانند وراثت زمین که به بندگان شایسته خدا بخشیده می‌شود «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» (انبیاء: ۱۰۵). این نوع بیان سنّت را در عمده آیاتی که خبر از یک حکم و خبر قطعی عملی در مورد احکام و فعل و انفعالات جامعه و تاریخ دارد، می‌توان مشاهده کرد مانند «وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ» (بقره: ۱۷۹) که دلالت بر خبری قطعی دارد که نتیجه قصاص و برکات دامنه‌دار و عظیم آن در کلماتی بسیار کوتاه، برای افاده عمیق‌ترین معنا آمده است.

۳. گاه در آیات از یک سنّت که در موارد بسیاری در متن خارج و در حرکت و بستر تاریخ رخ داده، سخن به میان آمده است؛ یعنی بیان‌کننده یک قانون تاریخی در قالب گرایش طبیعی جریان تاریخ است نه در قالب یک قانون قاطع

و بی‌انعطاف مانند احکام تکوینی که نمی‌توان با آن مقابله کرد و رقابت ناپذیر است (صدر، ۱۳۸۱: ۱۵۱). این نوع از بیان سنت را نیز در آیات زیادی می‌توان مشاهده کرد مانند: «كَمْ مِّن فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ» (بقره: ۲۴۹). این ساختار از سنت، مانند سنت‌های تکوینی نیست که مخالفت با آن خارج از اراده انسان‌ها باشد؛ بلکه در عالم تشریح، ممکن است برای مدت کوتاهی با سرکشی از سوی انسان روبرو شود ولی طبق سنت خداوند چندان پایدار نخواهد بود. به‌عنوان مثال اگر خداوند ازدواج را یک سنت مهم در سطح گرایش نه در سطح قانون، معرفی کرده (روم: ۲۱) که نسل بشر بر اساس آن در قالب خانواده شکل بگیرد (فرقان: ۵۴)، احتمال مقابله با آن و تشکیل انواع پیوندهای دیگر مانند خانواده‌های هم‌جنس‌گرا و غیره در جوامع مختلف وجود دارد، اما این مواجهات دیری نخواهد پایید که درهم‌شکسته می‌گردد.

شهید صدر مهم‌ترین مصداقی را که برای این صورت اخیر از سنت‌ها ذکر می‌کند «دین» است که قرآن، آن را یک سنت اصیل و فطری می‌داند. از دیدگاه قرآن، دین تنها یک تشریح و قانون‌گذاری نیست بلکه در عین حال قانونی است که در فرایند زمان بر اقوام و انبیای دیگر نیز به‌عنوان آیینی استوار حاکم بوده است «شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ» (شورا: ۱۳) و در آیه‌ای دیگر آن را قانونی که در عمق ترکیب انسان و فطرت و طبیعت او جریان دارد معرفی می‌کند «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا» (روم: ۳۰). در این آیه دین به‌عنوان سنتی غیرقابل انفکاک از انسان و جوهره او دانسته شده است.

## ۵. ویژگی‌ها و صفات قوانین آفرینش و سنت‌های اجتماعی

با بررسی آیات قرآن، می‌توان چند ویژگی مهم را برای سنت‌های اجتماعی به دست آورد:

### الف) الهی بودن

نسبت سنت‌ها به خدا که در تدبیر جوامع به‌عنوان نمود روشنی از حکمت و قدرت اوست، به معنای فاعلیت تامه خدا به ایجاد و هدایت سنت‌هاست، به گونه‌ای که



اسناد آن به غیر او صحیح نیست (ر.ک: مرادخانی، ۱۳۸۶: ۱۲۹)؛ یعنی وضع و رفع آن‌ها به دست خداست و اراده‌اش در رأس شبکه علل و معلول‌ها قرار دارد و اسباب و علل طبیعی نیز در زمرة آن‌هاست. براین اساس الهی بودن منافاتی با قانون علیّت و تأثیر علل و اسباب طبیعی نداشته و به‌رغم این که اسباب و وسایل طبیعی، عادی، فوق طبیعی و غیبی در کار است، ولی برای تقویت بینش توحیدی انسان، خدا این پدیده‌ها و فعل و انفعالات را به خود نسبت می‌دهد (مصباح یزدی، ۱۳۸۸: ۴۱۰) مانند تیراندازی پیامبر (ص) که خداوند آن را منتسب به خود دانسته است: «وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَى» (انفال: ۱۷). شهید صدر در این باره معتقد است اصرار قرآن بر طبیعت غیبی سنت‌ها بدین منظور است که انسان را به خدا پیوند دهد و این آگاهی و احساس را به انسان دهد که کمک گرفتن از نظام همه‌جانبه و نظم فراگیر در تمام زمینه‌های جهان هستی و بهره‌برداری از قوانین گوناگون حاکم بر آن‌ها به مفهوم جدا شدن و فاصله گرفتن از خدا نیست؛ چرا که خدا از رهگذر همین قوانین قدرت خود را اعمال می‌کند و این‌ها همان اراده خداوند و نمایندة حکمت و تدبیر حق تعالی در جهان هستی است (ر.ک: صدر: ۱۳۶۹: ۱۱۴)؛ بنابراین هر قانونی از قوانین تاریخ، کلمة خدا و قاعده‌ای الهی است به این معنا که اگر انسان می‌خواهد حتی از طبیعت برخوردار شود به خدا وابسته است تا انسان بتواند او را دریابد و احساس کند.

### ب) عمومیت سنت‌ها

عمومیت سنت‌ها بدین معنا است که برای همه ملت‌ها، اقوام و جوامع و در تمام زمان‌ها جریان دارد. عبرت‌آموزی از سرگذشت اقوام پیشین که در آیاتی آمده و به آن دستور داده شده در صورتی ممکن است که یک واقعه تاریخی، پدیده‌ای منحصر به جامعه‌ای خاص نباشد، بلکه قابلیت تکرار برای همه جوامع و زمان‌ها را داشته باشد. از دیدگاه قرآن، بین گذشتگان و آیندگان، به‌طور تکوینی اشتراکاتی هست که پندآموزی آیندگان را از سرشت و سرنوشت گذشتگان امکان‌پذیر و سودمند می‌سازد و گرنه از حوادث جزئی و شخصی و تکرارناپذیر، درسی نمی‌توان گرفت و بهره‌ای نمی‌توان جست. عمومیت سنت‌ها بدین معناست که بر تمام افراد نظام کلی جامعه شامل می‌شود و هیچ کس، اعم از مؤمن و کافر، از آن مستثنی نیست و لذا در عذاب‌های یک جامعه، حتی

افراد خوب را هم شامل می‌شود و در برخورداری از نعمات نیز افراد ناشایست هم برخوردار می‌شوند. در آیه «وَاتَّقُوا فِتْنَةً لِّاتَّصِبِينَ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ» (انفال: ۲۵) به مؤمنان هشدار می‌دهد از عذابی که نتیجه گناه و فساد است پرهیزید که فقط به ستمکاران از شما نمی‌رسد بلکه وقتی نازل شود، همه را فرامی‌گیرد. نکته قابل ذکر این که عمومیت مربوط به اقوام و ملت‌ها و جوامع مختلف در طول زمان‌های متعدد است، ولی عمومیت مربوط به کل افراد یک جامعه مشخص است.

### ج) تبدیل ناپذیری و تحویل ناپذیری

قوانین الهی برای تدبیر جوامع یا در امور وضعی، تشریحی و اعتباری است یا در امور تکوینی و حقیقی. قوانین حقیقی یا تکوینی آن دسته از قواعدی است که حکایت از ارتباطی نفس‌الامری دارد و وابسته به وضع و اعتبار و قرارداد نیست و صریحاً بر امر و باید و نبایدها دلالت دارد؛ لذا در مجرای قانون علیت قرار می‌گیرند و از سنخ تکوینیات و ایجاد شیئی است، چنانکه می‌فرماید: «مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعَاجِلَةَ عَجَلْنَا لَهُ فِيهَا مَا نَشَاءُ لِمَنْ نُرِيدُ ثُمَّ جَعَلْنَا لَهُ جَهَنَّمَ يَصْلَاهَا مَذْمُومًا مَدْحُورًا» (اسرا: ۱۸) و درباره اراده الهی برای تحقق زندگی دنیا برای آنان که چنین زندگی را طلب می‌کنند سخن می‌گوید.

منظور از تبدیل ناپذیر بودن این است که سنت‌ها و قوانین الهی بر اساس علل و عوامل خاص خود رخ می‌دهد و آنچه با به وجود آمدن علت و عامل باید به وجود آید، دچار دگرگونی نمی‌شود؛ به عنوان مثال نعمت و عذاب ناشی از عللی بوده و وجود آنها دلیل بر وجود ضروری علت‌های آنهاست و لذا عذاب و هلاکت هرگز با نعمت و عافیت جابجا نمی‌شوند: «فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا سُنَّتَ الْأَوَّلِينَ فَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَبْدِيلًا وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَحْوِيلًا» (فاطر: ۴۳) و اگر در مواردی تأخیر در عذاب رخ می‌دهد نه به خاطر تخلف معلول از علت خود بلکه به خاطر موانعی است که وجود دارد و می‌تواند مانع تحقق یک سنت مانند عذاب شود. منظور از تحویل ناپذیر بودن، این است که چیزی در غیر مکان اصلی خود قرار نگیرد؛ مثلاً عذاب و بلایی از قومی که سزاوار آن هستند، به قوم دیگری برگردانده نمی‌شود.

علامه طباطبایی در تفاوت این دو می‌گوید: «تبدیل سنت آن است که سلامتی و رفاه جایگزین عذاب گردد و تحویل سنت آن است که عذاب قومی که مستحق آن‌اند به دیگران مقرر شود و سنت الهی نه تبدیل‌پذیر است و نه تحویل‌پذیر، چرا که خداوند بر مسیر مستقیم است که حکم او نه تبعیض‌پذیر و نه استثناپذیر است» (طباطبایی، ۱۴۱۷، ق، ۱۷: ۵۸).

از جمله شواهد دال بر ثبات سنت‌های الهی، اخباری است که در قرآن از امت‌های سابق داده شده و این سنن، از ابتلای همه امت‌ها، از جمله امت‌های بعدی هم است و تا ابد نیز استمرار دارد مانند خلقت انسان که در قرآن از فریند یا مواد خاصی به وجود آمده (انسان: ۲) یا آفرینش مرگ و زندگی به عنوان سنج‌های برای آزمودن انسان (ملک: ۲) یا آیه‌ای که از خلقت انسان که مفطور به دین و ایمان به خداست خبر می‌دهد و جزء سنت‌های جاری و غیرقابل تخلف است؛ زیرا این‌ها از خلق خداوند بوده و تبدیلی برای خلق خدا نیست (روم: ۳۰).

## د) سازگاری با اصل علیت

سنت‌های الهی مصادیقی از اصل علیت می‌باشند یعنی میان سنت‌های الهی و حوادث تاریخ روابط خاص علی و معلولی وجود دارند. اصل علیت به معنای این است که تحقق معلولی در خارج، لزوماً همراه با وجود علت است و هیچ موجودی نیست که موصوف به علت باشد؛ اما علتی نداشته باشد؛ از این رو وجود معلول کاشف از این است که علتی آن را به وجود آورده است. بر این اساس میان عذاب‌ها یا تقلیل نعمت‌ها با معصیت و گناه و نیز افزایش نعمت‌ها با اطاعت اوامر الهی ارتباط برقرار است (مرادخانی، ۱۳۸۶: ۱۰۵). سنت‌ها ضوابط و روش‌های فعل و تدبیر الهی‌اند و مجرای این تدبیر قوانین پایدار در هستی است که در واقع بیان‌کننده رابطه میان علت و معلول‌هاست که گاه به آن قانون اسباب گفته می‌شود و در سلسله مراتب وجود جای دارند (مطهری، ۱۳۶۹، ۱: ۱۳۵ - ۱۳۸)؛ به همین علت این سنت‌ها در حیطه چنین قانونی توجیه شده و انکار رابطه ضروری میان علت و معلول در واقع انکار سنت‌های الهی قلمداد می‌شود. لازم به ذکر این که گرچه در سنت‌های الهی، خداوند به عنوان علت‌العلل است لیکن برای هریک از موجودات حسب ظرفیت و سعة وجودی‌اش بهره‌ای از این قانون

دارد که به آن علیت ناقص یا اعدادی گفته می‌شود. تذکار این نکته لازم است که مفهوم سنت، قانون و امثال آن، معمولاً در مورد پدیده‌هایی صادق است که با ضبط تک‌تک عوامل آغاز شده و درون آن نوعی روابط علی قابل مشاهده برقرار باشد که بررسی‌های علمی بتواند پاسخی بر چرایی آن‌ها ارائه دهد و با یافتن علت‌ها، آن‌ها را تبیین و روابط علی درباره آن‌ها را کشف کند و حتی در مورد آن‌ها دست به پیش‌بینی بزند. حال در روابط اجتماعی میان انسان‌ها که همچون پدیده‌های طبیعی که میان آن‌ها مشابَهت کامل برقرار نیست و آحاد انسانی، هر یک دارای اراده‌های متفاوت‌اند، چگونه ممکن است بر اساس یک نوع روابط علی به قانون و قاعده رسید و در مورد آن‌ها دست به پیش‌بینی زد؟ در حالی که ضبط تک‌تک عوامل در اینجا مانند بسیاری از علوم دیگر مشاهده و ضبط یک مورد خاص نیست؟ مناسب‌ترین پاسخ این است که در روابط اجتماعی، آنچه در ابتدا مورد بحث است، تشخیص موارد مشابه و بررسی مشابَهت‌های رفتاری است. مثلاً در هر مرحله از بررسی‌ها درباره یک رفتار خاص می‌بینیم عده زیادی به یک شکل عبادت می‌کنند و در جهت مشترکی می‌ایستند و حرکات و کلمات مشابَهی اجرا و بیان می‌کنند و بدین ترتیب مشخص می‌شود که در همه جوامع می‌توان به درک رفتارهایی مشابه رسید که البته نسبت به شرایط زمانی و مکانی متفاوت‌اند؛ اما در درون این روابط به ظاهر پیچیده، یک نوع انتظام و قاعده‌مندی به چشم می‌خورد که باید آن را کشف کرد (رفیع‌پور، ۱۳۷۸: ۸۷-۸۸)؛ بنابراین اگرچه پدیده‌های انسانی و اجتماعی چون پدیده‌های فیزیکی و طبیعی بر اساس تجربه و آزمایش و استقرا، قابل قاعده‌مندی دقیق نیستند، اما به سبب مشابَهت‌های رفتاری می‌توان نوعی قاعده تعریف کرد که سنت‌های اجتماعی معطوف به آن‌ها، توجیه‌پذیرتر می‌شوند.

## ه) سازگاری با ارادة انسان

از ظاهر برخی آیات قرآن ممکن است به نظر برسد سنت‌های الهی به معنای ایجاد جبر و نفی اختیار انسان بوده و او ناچار به انقیاد در برابر آن‌ها است (اسرا: ۱۶؛ انسان: ۳۰؛ ابراهیم: ۴؛ انعام: ۱۲۵؛ اعراف: ۱۵۵؛ رعد: ۲۷؛ فاطر: ۸؛ نحل: ۹؛ سجده: ۱۳؛ یوسف: ۱۱۰ و ...). این آیات هدایت و گمراهی، عزت و

ذلت، اعتلا و اضمحلال جوامع و افراد را مستقیماً به خداوند نسبت می‌دهد و چنین شبهه‌ای را تقویت می‌کند که انسان بدون هیچ اختیاری در برابر خواست و سنت‌های خدا تابع محض است؛ به‌خصوص که با توجه به ویژگی‌های تبدیل‌ناپذیری، تحویل‌ناپذیری و تکوینی بودن سنت‌ها، این شبهه تقویت شده و حکایت از نوعی جبر دارد. از طرفی، ممکن است این سؤال نیز به وجود آید که اگر معتقد به اختیار انسان باشیم، سنن و قوانین تاریخ چه نقشی دارند؟ می‌توان گفت سنت‌ها، اگرچه دارای قطعیتی تخلف‌ناپذیرند، اما ناسازگار با اختیار و اراده انسان نبوده و آن را نفی نمی‌کند؛ بلکه انسان خود می‌تواند زمینه‌ساز اجرای این سنت‌ها باشد و با انتخاب آزادانه، مشمول این سنت‌ها شود. درواقع وقتی از سنت‌ها سخن می‌گوییم منظور صدور عملی مستقیماً و بدون واسطه از خداوند نیست؛ بلکه منظور این است که اسباب و وسایل بسیاری اعم از طبیعی و غیرطبیعی در کار است و درعین حال در سلسله علل به خداوند نسبت داده می‌شود و سنت‌ها در اغلب موارد، عکس‌العمل‌های خدا در برابر رفتارهای انسان‌ها است و اراده انسان یکی از اجزای علت تامه پدیده‌ها و حوادث به شمار می‌آید که اگر علل موجود باشد اما انسان اراده آن را نکند، فعلی محقق نمی‌شود. به تعبیری اختیار و اراده انسان در عالم خلق قرار دارد نه عالم امر. علم الهی در عالم امر است که ازلی و بی‌زمان است؛ اما عالم خلق زمان‌مند و تغییرپذیر است و اختیار انسان در آن ظهور می‌یابد و در یک نسبت طولی درون عالم امر قرار دارد؛ بنابراین رابطه علی‌ای که در سنت‌های الهی برقرار است نافی اختیار انسان نیست (ر.ک: مروی و اکبرزاده، ۱۳۹۸: ۵۲۴-۵۲۶) در قرآن تغییرات در زندگی انسان به دست خود او سپرده و دانسته شده است (رعد: ۱۱؛ جن: ۱۶؛ کهف: ۵۹)؛ مثلاً بسیاری از سنت‌ها به خاطر سرپیچی آحاد جامعه و پس از کفر و ظلم آنان جاری شده که درواقع سنت عذاب الهی نتیجه ظلم و غفلت و سرکشی آنان است که به‌عنوان دستورالعملی کلی در قرآن بیان شده است «وَتِلْكَ الْقُرَىٰ أَهْلَكْنَاهُمْ لَمَّا ظَلَمُوا وَجَعَلْنَا لِمَهْلِكِهِم مَّوْعِدًا» (کهف: ۵۹)؛ از طرفی، خداوند اعمال برخی از سنت‌ها را در صورت استغفار افراد جامعه تعلیق می‌کند: «وَمَا كَانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ» (انفال: ۳۳)؛ ازاین‌رو اراده‌های انسانی در بسیاری از سنت‌ها مداخلت دارند.

## ز) حکیمانگی و عادلانه بودن

حکمت و عدل از صفات دائمی خداست و چون خداوند در افعال خود منزّه از جور و ظلم است، وقتی سنتی از سنت‌های او محقق شد به یقین و رای آن حکمت بالغه‌ای نهفته است. قرآن حرکت تاریخ و تطور آن را قانونمند و مبتنی بر سلسله‌ای از سنت‌های مشخصی می‌داند، از این‌رو انسان‌ها را به تدبیر در رخدادهای و عبرت‌آموزی از آن فرامی‌خواند (یوسف: ۱۰۹ و ۱۱۱؛ حج: ۴۶؛ نحل: ۳۶ و ۶۹؛ فاطر: ۴۴؛ غافر: ۲۱؛ انعام: ۱۱۱).

حکیمانگی هر چیز به معنای هدف‌داری است و از آنجاکه از خدای حکیم کار عبث صادر نمی‌شود، نظام آفرینشی که به وجود آورده نظامی هدفمند است که در راستای اهداف ذات باری تعالی بنیان گذاشته شده و هرگز ناراستی در آن راه ندارد؛ لذا قرآن استواری آفرینش را بر مبنای حق و در بهترین شکل در نظام هستی ترسیم می‌کند «خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَصَوَّرَكُمْ فَأَحْسَنَ صُوْرَكُمْ» (تغابن: ۳). در واقع نفی باطل بودن خلقت به معنای حکمت داشتن و هدفمندی آن است که از اساسی‌ترین ویژگی سنت‌های الهی است (ر.ک: قرطبی، ۱۳۶۴، ۲: ۳۱۵-۳۱۶؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹ ق، ۲: ۱۶۴؛ زمخشری، ۱۴۰۷ ق، ۱: ۴۵۴).

## ۶. تمایز سنت‌های الهی با قوانین اجتماعی

سنت‌های الهی با قوانین اجتماعی بشری که معمولاً در دانش جامعه‌شناسی از آن بحث می‌شود، از چند جهت متفاوت‌اند: ۱. قانون اجتماعی در تمام قلمروهایش، معمولاً قابل اثبات منطقی از دیدگاه زندگی اجتماعی آن جامعه است، در صورتی که سنت الهی، قضیه کلیه‌ای است که در حیات مردم رسوخ کرده ولی ممکن است تمام آن‌ها از همه جهات به لحاظ منطق زندگی اجتماعی قابل اثبات نباشد. ۲. قوانین مورد بحث در جامعه‌شناسی، چون حاصل اعتبارات و آزمون و خطاهای بشری است و این اعتبارات با موقعیت‌ها، شرایط، زمینه‌ها و منافع گروهی پیوندی اساسی دارند، لذا این قوانین نیز به حسب تغییرات دستخوش تبدیل و تبدل می‌گردند، وانگهی این قوانین شامل مرور زمان شده و چون جوامع به سرعت رو به تحول هستند، گذر زمان در تحول آن‌ها شدیداً

دخیل است؛ اما سنت‌های الهی چون فراتر از عقل و اعتبارات محدود بشری و فارغ از شرایط و موقعیت‌های خاصی وضع شده و چندان مبتنی بر آزمون و خطا نیست؛ از این رو عام و بدون تغییر بوده و دستخوش تحوّل و تبدل نمی‌شود و در طول زمان، ناکارآمد نمی‌گردد «سُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا» (احزاب: ۶۲). به علاوه که قوانین بشری برخلاف سنت‌های الهی به اعتبار وضع‌کنندگان در جغرافیای خاصی وابسته است و دارای محدودیت مکانی بود که با تغییرات جغرافیایی از شکل قانون خارج و وضعیت تعمیمی خود را از دست می‌دهند. ۳. قوانین اجتماعی با توجه به آگاهی کامل و تعمق کامل در جهان نیست، اما خداوند به اقتضای خالقیّت و صاحب ملک و ملکوت بودن سنت‌هایی که جعل کرده، معطوف به علم به عمق جهان و با توجه به تمامیت روابط میان انسان‌ها با خود، جهان و با خداست. دیگر این که قوانین الهی هماهنگ با تکوین و آفرینش انسان و جهان است، اما انسان قوانین خود را از هر راهی که نیازهایش را برآورده سازد، یا سلايقش تأیید نماید، وضع می‌کند؛ از این رو در بسیاری اوقات نمی‌تواند هماهنگی میان انسان، جهان و نظام تکوین ایجاد نماید و در نتیجه چون حقایق جهان را به خوبی نمی‌شناسد، قدرت تأمین سعادت خود و جامعه را به طور مستقل ندارد. قانون‌گذار حقیقی تنها کسی است که آفریننده انسان و جهان است و رابطه میان آن‌ها را بر اساس مصالح و حقایق تنظیم کرده است؛ از این رو سعادت انسان نیز تنها از راه عبودیت او به دست می‌آید. ۴. قوانین اجتماعی به نظام روحی و تکامل معنوی افراد کاری ندارد ولی سنت‌های الهی، همگی متناسب با زیست مادی و تعالی روحی آنان وضع شده و مبتنی بر آزمون و خطا نیست؛ بدین جهت کهنگی و تغییر در آن راه ندارد. ۵. قوانین اجتماعی بشری تنها جنبه‌ای از بهبودی وضع جامعه را لحاظ می‌کند و چندان به نیت کنشگران کار ندارد، اما قوانین الهی مجموعه کاملی از برنامه‌هایی است که زوایای مختلف زندگی انسان را مورد عنایت قرار داده است که مصالح واقعی مردم در آن نهفته است و شاید بشر هرگز توانایی فهم عمیق آن را پیدا نکند.

## نتیجه‌گیری

۱. آنچه سرنوشت انسان‌ها را رقم می‌زند ساخت و میزان روابط انسان‌هاست و سنت‌های الهی در اعتلا و انحطاط جوامع، تابعی از آن‌ها و وابسته به نوع ارزش‌های حاکم بر جامعه است که برای شناخت معیارها و نیل به خط‌مشی‌های اساسی، گریزی از کشف و ترسیم نوعی الگومندی خاص بر اساس مشابتهای جاری در تاریخ بشر نیست.

۲. از پیامدهای مهم سنت‌ها، قدرت بر کشف قوانین که شرط لازم پیش‌بینی جامعه و تاریخ‌اند، کالبدشکافی دقیق تاریخ و جوامع گذشته، شناخت حوادث و رخداد‌های غیرمنتظره و آمادگی برای تقابل با آن، برنامه‌ریزی دقیق برای مقابله با آسیب‌های اجتماعی و نهایتاً چاره‌اندیشی برای بهبود وضع موجود است.

۳. تغییراتی که قرآن منشأ آن بوده، دارای دو جنبه «خدایی» و «تاریخی» است که یکی مربوط به دین و شریعت و دیگری مرتبط با تلاش بشری افراد جامعه است که هرکدام تابع سنت‌های خاص خود بوده و بسته به نوع تحولات یا مستند به رسالت الهی است که تخلف‌ناپذیر است یا به اراده انسان‌ها، تحت سیطره قوانین تاریخ است.

۴. اجتماعی بودن سنت‌های الهی به حیثیت‌های موضوع، کنشگران، اهداف و پیامدهایی است که جنبه اجتماعی دارد و تعدد وقایع اجتماعی به این حیثیات، وقتی با اراده‌های الهی و نیز اراده‌های انسان در هم ضرب شوند، بی‌شماری از سنن الهی به‌طور صریح یا در ساختارهای مختلفی کشف می‌شود.

۵. الهی بودن، عمومیت، تبدیل و تحویل‌ناپذیری، سازگاری با اصل علیت و اراده انسان و حکیمانگی و عادلانه بودن از ویژگی‌هایی است که در تمام سنت‌های قرآنی به‌صورت مانعة‌الخلو بوده که حکم به تنافی هیچ کدام صحیح نیست.

۶. سنت‌های الهی با قوانین بشری از جهات مختلفی متفاوت است، از جمله قابل اثبات نبودن تمام جهات آن‌ها، تحول و تبدیل‌ناپذیر در طول زمان، معطوف بودن به علم به عمق جهان و روابط مختلف انسان‌ها، هماهنگ بودن با نظام تکوین و در نتیجه تأمین سعادت واقعی انسان بر پایه عبودیت، تلازم زیست مادی با تعالی معنوی، ملازمت با نیت کنشگران و تأمین مصالح واقعی انسان‌ها.



## منابع

- \*قرآن کریم.  
\*نهج البلاغه.
- ۱- ابن عطیه اندلسی عبد الحق بن غالب، (۱۴۲۹ ق)، المحرر الوجیز فی تفسی الکتا العزیز، بیروت، دارالکتب العلمیه.
  - ۲- ابن کثیر، اسماعیل ابن عمر، (۱۴۱۹ ق)، تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دارالکتب العلمیه.
  - ۳- آگ برن و نیم کوف، (۱۳۸۰)، زمینه جامعه شناسی، تهران، انتشارات نگاه، تهران.
  - ۴- حامد مقدم، احمد، (۱۳۸۷)، سنت های اجتماعی در قرآن، مشهد، آستان قدس رضوی.
  - ۵- رشید رضا، محمد، (۱۴۱۴ ق)، تفسیر المنار، بیروت، دارالمعرفه.
  - ۶- رفیع پور، فرامرز، (۱۳۷۸)، آنا تومی جامعه، تهران، شرکت سهامی انتشار.
  - ۷- زمخشری، محمود، (۱۴۰۷ ق)، الکشاف عن حقایق غوامض التنزیل، بیروت، دارالکتب العربی.
  - ۸- ساروخانی، باقر، (۱۳۸۰)، درآمدی بر دایرة المعارف علوم اجتماعی، تهران، کیهان.
  - ۹- احمد الخطیب، شریف الشیخ صالح، (۱۴۲۵ ق)، السنن الالهیه فی الحیاة الانسانیة، ریاض، مکتبة الرشد.
  - ۱۰- صدر، سید محمد باقر، (۱۴۲۱ ق)، المدرسة القرآنیة (موسوعة الشهيد الصدر)، چاپ اول، قم، مرکز الابحاث والدراسات التخصصیه للشهید الصدر.
  - ۱۱- صدر، سید محمد باقر، (۱۳۶۷)، انسان مسئول و تاریخ ساز از دیدگاه قرآن، ترجمه محمد مهدی فولادوند، تهران، نشر بنیاد قرآن.
  - ۱۲- صدر، سید محمد باقر، (۱۳۶۹)، سنت های اجتماعی و فلسفه تاریخ در مکتب قرآن، تهران، نشر رجا.
  - ۱۳- صدر، سید محمد باقر، (۱۳۸۱)، سنت های تاریخ در قرآن، ترجمه سید جمال موسوی اصفهانی، قم، انتشارات جامعه مدرسین.
  - ۱۴- طباطبایی، سید محمد حسین، (۱۴۱۷ ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، نشر موسسه النشر الاسلامی.
  - ۱۵- طیب، سید عبدالحسین، (۱۳۷۸)، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات اسلام.
  - ۱۶- فرزند وحی، جمال، (۱۳۹۴)، «سنن اجتماعی در قرآن از منظر علامه طباطبایی و سید قطب»، اندیشه علامه طباطبایی، سال دوم، شماره دوم، صص ۱۱۷-۱۴۸.
  - ۱۷- قرطبی، محمد بن احمد، (۱۳۶۴)، الجامع لاحکام القرآن، تهران، انتشارات ناصر خسرو.
  - ۱۸- کمالی، علی، (۱۳۸۴)، قرآن و جامعه، قم، نشر فرتاب.
  - ۱۹- کوشا، غلام حیدر، (۱۳۸۹)، «پژوهشی در الگوی مطالعه سنت های اجتماعی در قرآن»، فصلنامه معرفت فرهنگی اجتماعی، سال اول، شماره دوم، صص ۳۳-۵۶.
  - ۲۰- مرادخانی، احمد، (۱۳۸۶)، سنت های اجتماعی الهی در قرآن، قم، مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی.

- ۲۱- مروی، محمدحسین؛ اکبرزاده، حوران، (۱۳۹۸)، «بررسی اختیار و تقدیر در هستی از منظر علامه طباطبایی»، فلسفه دین، دوره ۱۶، ش ۳، ص ۵۴۲-۵۲۱.
- ۲۲- مصباح‌یزدی، محمد تقی، (۱۳۸۸)، جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، تهران، شرکت چاپ و نشر بین‌الملل، تهران.
- ۲۳- مطهری، مرتضی، (۱۳۶۹)، مجموعه آثار جلد ۱ (عدل الهی، انسان و سرنوشت، علل گرایش به مادیگری)، تهران، صدرا.
- ۲۴- نصری، عبدالله، (۱۳۸۵)، مبانی انسان‌شناسی در قرآن، تهران، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
- ۲۵- وبر، ماکس، (۱۳۶۷)، مفاهیم اساسی جامعه‌شناسی، ترجمه احمد صدارتی، تهران، نشر مرکز.



## REFERENCES

- \* The Holy Quran.
- \* Nahj al-Balagha.
- 1- Ahmad al-Khatib, Sharif al-Sheikh Saleh, (1425 AH), Al-Sunan al-Ilahiyah fi al-Hayat al-Insaniyah, Riyadh, Maktabah Al-Rashad.
  - 2- Al-Qurtubi, Muhammad bin Ahmad, (1364), Al-Jami li Ahkam al-Qur'an, Tehran, Naser Khosrow Publishing House.
  - 3- Al-Sadr, Seyed Muhammad Baqir, (1367), Responsible Man and History Maker from the Perspective of the Qur'an, translated by Mohammad Mehdi Fouladvand, Tehran, The Quran Foundation Publishing House.
  - 4- Al-Sadr, Seyed Muhammad Baqir, (1369), Social Traditions and Philosophy of History in the Qur'anic School, Tehran, Raja Publications.
  - 5- Al-Sadr, Seyed Muhammad Baqir, (1369), Traditions of History in the Qur'an, translated by Seyed Jamal Mousavi Esfahani, Qom, Jamiah al-Modarresin Publications.
  - 6- Al-Sadr, Seyed Muhammad Baqir, (1421 AH), Al-Madrasah al-Qur'aniyah (Encyclopedia of Al-Shahid Al-Sadr), first edition, Qom, Center for Research and Specialized Studies of Al-Shahid Al-Sadr.
  - 7- Farzandevahy, Jamal, (1394), «Social Traditions in the Qur'an from the Perspective of Allameh Tabatabai and Seyyed Qutb», Allameh Tabatabai's Thought, Vol. 2, Issue 2, pp. 117-148.
  - 8- Hamed Moghaddam, Ahmed, (1386), Social Traditions in the Qur'an, Mashhad, Aftan Quds Razavi.
  - 9- Ibn Atiyyah al-Andalusi Abdul-Haq bin Ghalib, (1429 A.H.), Al-Muhrrar al-Wajiz fi Tafsir al-Kitab al-Aziz, Beirut, Dar al-Kutub al-Ilmiyah.
  - 10- Ibn Kathir, Ismail Ibn Umar, (1419 AH), Tafsir al-Qur'an al-Azeem, Beirut, Dar al-Kutub al-Ilmiyah.
  - 11- Kamali, Ali, (1384), Qur'an and Society, Qom, Fartab Publishing House.
  - 12- Koosha, Gholam Heydar, (1389), «Research on the Pattern of Studying Social Traditions in the Qur'an», Social Cultural Knowledge Quarterly, Vol 1, Issue 2, pp. 33-56.
  - 13- Marvi, Mohammad Hossein; Akbarzadeh, Houran, (1398), «Investigation of Free Will and Destiny in Existence from the Perspective of Allameh Tabatabai», Philosophy of Religion, Vol. 16, Issue 3, pp. 521-542.
  - 14- Misbah Yazdi, Mohammad Taqi, (1388), Society and History from the Perspective of the Qur'an, Tehran, International Publishing Company.
  - 15- Motahari, Morteza, (1369), Collection of Works, Volume 1 (Divine Justice, Man and Destiny, Causes of Tendency towards Materialism), Tehran, Sadra.
  - 16- Muradkhani, Ahmad, (1386), Divine Social Traditions in the Qur'an, Qom, Al-Mustafa International Translation and Publishing Center.
  - 17- Nasri, Abdullah, (1385), The Basics of Anthropology in the Qur'an, Tehran, Contemporary Knowledge and Thought Cultural Institute.
  - 18- Ogburn, William and Nimkoff, Meyer Francis, (1380), Sociology Field, Tehran, Tehran, Negah Publishing House.

- 19- Rafipour, Faramarz, (1378), Anatomy of Society, Tehran, Publishing Company.
- 20- Rashid Reza, Muhammad, (1414 AH), Tafsir al-Manar, Beirut, Dar al-Marifah.
- 21- Sarukhani, Baqer, (1380), An Introduction to the Encyclopedia of Social Sciences, Tehran, Keyhan.
- 22- Tabatabaei, Seyed Muhammad Hussein, (1417 AH), Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an, Qom, Al- Al-Islami Publications.
- 23- Tayyeb, Seyed Abdul Hossein, (1378), Atyab al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an, Tehran, Islam Publications.
- 24- Weber, Max, (1367), Basic Concepts of Sociology, translated by Ahmad Sadarati, Tehran, Markaz Publishing House.
- 25- Zamakhshari, Mahmud, (1407 AH), Al-Kashshaf an Haqaiq Ghwamidh al-Tanzil, Beirut, Dar al-Kitab al-Arabi.

